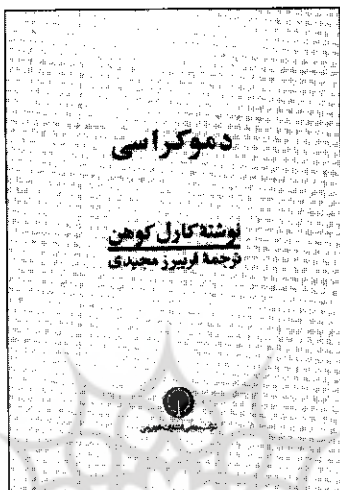


# دموکراسی: پیشفرضها و ابزارها

علی اکبر امینی  
دکترای علوم سیاسی



- دموکراسی  
- کارل کوهن  
- فریبرز مجیدی  
- خوارزمی، ۱۳۷۳، ۴۳۲ ص

و خواندنی در مورد دموکراسی نوشته شده و به فارسی برگردانده شده است؛ از جمله مدل‌های دموکراسی نوشته دیوید هلد یا ریشه‌های اجتماعی دیکتاتوری و دموکراسی تألیف برینگتون مور؛ و نیز دموکراسی نوشته آنتونی آرپلاستر و بسیاری کتب دیگر که هر یک به نوعی در مورد دموکراسی و آزادی و توسعه سیاسی و مشارکت و مانند آن به زیور طبع آراسته شده‌اند.

و اما کتاب دموکراسی کارل کوهن که سی سال پیش به رشته تحریر درآمده، یکی دیگر از آثار پخته و سخته‌ای است که می‌توان گفت یکی از جامع‌ترین کتابهای نوشته شده در این زمینه است و هیچ بعد یا زاویه‌ای را نادیده نگذاشته و نگذاشته است، اگرچه در مورد تکیه‌گاهها و تأکیدها اندکی جای بحث هست که در این نوشته به آنها اشاره خواهیم کرد.

کتاب از شش بخش و هفده فصل فراهم آمده است. در نخستین بخش تعریفهای گوناگونی از دموکراسی ارائه و این نکته را به درستی یادآوری می‌کند که تعریفهای کوتاه اگرچه اشتباه نیستند ولی «نمی‌توانند به قلب مطلب راه یابند.» (ص ۲۲) تعریف‌هایی از قبیل «حکومت بر پایه رضایت»، «فرمانروایی اکثریت»، «حکومت با حقوق برابر برای همه»، «حاکمیت خلق»... که می‌کوشند مفاهیمی را که به هیچ روی ساده نیستند بیش از حد ساده کنند.

و در پایان، خود تعریفی از دموکراسی می‌آورد: «دموکراسی حکومت جمعی است که در آن از بسیاری لحاظ، اعضای اجتماع به طور مستقیم یا غیرمستقیم در گرفتن تصمیم‌هایی که به همه آنها مربوط می‌شود، شرکت دارند، یا می‌توانند شرکت داشته باشند.» (ص ۲۷)

چنانکه مشاهده می‌کنیم، در این تعریف تکیه بر مشارکت است. از این روی می‌کوشد تا «اندازه‌های مشارکت» را روشن کند و برای این کار به سراغ «ابعاد دموکراسی» می‌رود: «من برای دموکراسی چند بعد متمایز می‌بینم: ۱- پهناوری دموکراسی ۲- ژرفای دموکراسی ۳- بُرد دموکراسی» (ص ۲۸)

«آرمان سیاسی من دموکراسی است. بگذارید هر انسانی به عنوان یک فرد محترم باشد و هیچ انسانی همچون بت مورد پرستش قرار نگیرد.»  
البرت اینشتین

«دموکراسی بدترین شکل حکومت است البته به جز دیگر اشکال حکومت که از آن هم بدترند.»

چرچیل

## پیش گفتار

بدون تردید یکی از مناقشه‌برانگیزترین مسائل در علوم سیاسی «دموکراسی» و تالی فاسدان دیکتاتوری است. دولتمردان، فیلسوفان، اندیشمندان و به ویژه آنان که بیشتر به مسائل انسانی و اجتماعی نظر داشته‌اند، هر کدام به نوعی در مورد دموکراسی به توغل و تفکر پرداخته‌اند. در این میان متفکران شاخه‌های گوناگون معرفتی از نظرگاه شخصی و به دلایل علمی با دموکراسی موافقت یا مخالفت می‌ورزند. اما دربارهٔ اندیشمندان و نظریه‌پردازانی که مخالف دموکراسی بوده‌اند و یا هستند چه باید کرد؟ پاسخ این است که باید به آنان گفت: «بین از که بریدی و با که پیوستی!» درست است که دموکراسی هم در ذات خود و هم در مرحله اجرا و عمل کاستیهایی داشته است، اما این موضوع نباید سبب شود که ما آب به آسیاب دیکتاتوری بریزیم! خطا و فساد ناشی از همین مسئله است و به همین دلیل است که مخالفان دموکراسی از افلاطون گرفته تا هگل و هابز و مارکس و چامسکی، جاده صاف کن خودکامگی و دیکتاتوری شده‌اند و خواسته یا نخواسته آستان بوس دیکتاتورها و خودکامگان شده‌اند و میراث شومی را در این گنبد دوار به یادگار گذاشته‌اند.

جای بسی خشنودی است که در سالهای اخیر چندین اثر تحقیقی و مستدل

## به گفته فرانتس نویمان

### عامل یکپارچگی دموکراسی،

### خواه آزادی باشد و خواه عدالت،

### ماهیت اخلاقی دارد. این مشروعیت اخلاقی

### به بلیغ ترین وجه در اسطوره پرومئوس

### که پروتوگراس آن را برای سقراط

### نقل می کند، آمده است

## قبول خطابپذیری و جایز الخطا بودن انسان

### یکی از صفات لازم برای

### نیل به دموکراسی است

## شرکت کنندگان در فرایند دموکراتیک

### به حکم مشارکتی که دارند باید امکان

### زیان بردن در بعضی مسائل را بپذیرند

است.» (ص ۱۱۳)

اما به گفته خود نویسنده، دموکراسیهایی وجود دارند که در آنها قدرت اکثریت اگر نگوییم هیچ، به ندرت برای ستم و استثمار به کار برده می شود. دو عامل سبب توفیق دموکراسیها و رهایی از خطر قدرت اکثریت می شود، یکی خلق و خوی یکایک شهروندان است و دیگری اکثریت موج زن، یعنی آنان که خواسته ها و نیازهایی در حال نوسان دارند و با هیچ قدرتی عقد برادری دائمی نبسته اند.

شرایط دموکراسی موضوع بخش چهارم است. این شرایط عبارتند از:

#### الف - شرایط مادی دموکراسی:

۱- شرایط محیطی، یعنی مسائل ژئوپلیتیکی و ژئو هیستریک هر کشور و آب و هوا. ۲- شرایط مکانیکی دموکراسی یعنی وجود دستگاهها و ابزارهایی است که امکان استمرار دموکراسی را تسهیل می کنند مثل ماشینی شدن اخذ رأی و رایانه ای شدن شمارش آرا و... ۳- شرایط اقتصادی دموکراسی که خود سه شاخه دارد: نخست، وجود درجه ای از رفاه اقتصادی است. در اینجا، نویسنده می خواهد این نکته را یادآوری کند که «عقل سالم در بدن سالم» است و رفاه اقتصادی است که این امکان را فراهم می کند. دوم، دموکراسی اقتصادی که شرط هرگونه دموکراسی راستین است. در اینجا، کوهن با تکیه و تأکید بر نظریه مارکسیستها، وجود برابری اقتصادی را برای نیل به دموکراسی حقیقی مورد بحث قرار می دهد؛ نظریه ای که در سالهای بعد از جانب جان رالز به طور عمیق و وسیعی مورد بحث قرار گرفت. گفتمنی است که کوهن دموکراسی اقتصادی را با برابری اقتصادی دو مقوله جداگانه می داند و می گوید دموکراسی اقتصادی نادرست است و برابری اقتصادی فقط تا حدی پذیرفتنی است.

#### ب - شرایط مبتنی بر قانون اساسی:

«در قانون اساسی هر اجتماعی که قرار است دموکراسی در آن به اجرا درآید برخی اصول را باید جای داد. اینها اصولی است که مجاز بودن شهروندان را

منظور از پهناوری دموکراسی شمار کسانی است که در انتخابات شرکت می کنند، هر اندازه شمار شرکت کنندگان بیشتر باشد پهنای پهناوری بیشتر است اما در دموکراسیها همیشه عده ای هستند که در انتخابات و گزینشها شرکت نمی کنند. این دلایل در تبیین پهناوری دموکراسی حائز اهمیت اند، برای مثال یک فرد برخوردار از حق شرکت شاید فقط زحمت شرکت کردن را به خود نمی دهد، حال آنکه در جامعه ای دیگر، شرکت نکردن به این دلیل است که انتخابات مشروعیت لازم را ندارد.

فرق است میان آنکه یارش در بر

با آنکه دو چشم انتظارش بر در

در بخش دوم پیشفرضهای

دموکراسی به بحث گذاشته می شود. مؤلف

در مورد دموکراسی دو پیش فرض می آورد:

۱- دموکراسی مبتنی بر وجود اجتماع

است.

۲- دموکراسی مستلزم پیروی از عقل

است.

انواع اجتماعی که دموکراسی

می تواند در آنها به اجرا درآید نامحدود است.

می توان کوچک ترین آنها یعنی خانواده یا باشگاه را در یک انتها و بزرگ ترینشان

یعنی ملت یا اجتماع بین المللی را در انتهای دیگر قرار داد...» (ص ۷۴)

در میان تمام اجتماعات انسانی، اجتماع سیاسی جای بسیار خاصی را به خود

اختصاص می دهد؛ به قول ارسطو «عالی ترین نوع اجتماع» به شمار می رود. (ص

۷۶)

در مورد این اجتماع، گفتنی است که: «چنین اجتماعی را نمی توان بر زور

بنیاد نهاد... طبیعت اجتماع شهری اصیل چنان است که زور نمی تواند اصل

وحدت آن باشد.» (ص ۷۸)

اما گاهی این اجتماع چندان فراگیر نیست، به این صورت که عده ای در عمل

کنار گذاشته می شوند و از مشارکت محروم می شوند. مهم ترین این گروه ها

عبارتند از: صغیران، محکومان، بیگانگان و دیوانگان. ولی اگر کسی «بر

میناهای دیگر مثل نژاد، کیش سیاسی، دین یا نظایر اینها کنار گذاشته شود،

اجتماعی که چنین ممنوعیتی را مجاز می دارد، یا اصلاً دموکراسی نیست یا

دست کم دموکراسی ناقص است.» (ص ۸۸)

«پیروی از عقل» فرض یا پیش فرض مهم دموکراسی است. این فرض

نویسنده را به رابطه دموکراسی و اخلاق می کشاند: «بخشی از ارزش دموکراسی

در این است که به آدمیانی که نیکی و بدی در وجودشان کاملاً به هم درآمیخته

است، امکان می دهد که در کمال صفا با یکدیگر زندگی کنند.» (ص ۹۵) و بدین

ترتیب، رابطه میان اخلاق و دموکراسی را انکار می کند. در اینجا می توان با کارل

کوهن از در مخالفت درآمد و اعلام کرد که دموکراسی و اخلاق پیوندی استوار

دارند، برای نمونه جفسلاف میلوئر برنده ادبی نوبل ۱۹۸۰ به وجود این رابطه

اعتقاد دارد؛ به گفته او: «برای جامعه ای که فاقد ابزار کشف دروغ است، آزادی

معنایی ندارد.» (جهانبگلو، ۱۳۷۶)

اگر بپذیریم که درونمایه دموکراسی همان آزادی است، در این صورت گفته



می‌افتد. «این مقدمه آشکارا مضحک است.» (ص ۲۱۲)

ج - شرایط فکری دموکراسی منظور پروردن ویژگی‌هایی است که در سایه آنها تعقل و خردورزی شهروندان تقویت شود. برای نیل به این منظور سه مقوله اصلی مورد نیاز است: ۱- تدارک اطلاعات، ۲- آموزش و پرورش شهروندان، ۳- پرورش هنرهای مشاوره.

برای تدارک اطلاعات، وجود مطبوعات نیرومند لازم است، به عبارت دقیق‌تر برای اینکه شهروندان به آگاهی و خودآگاهی لازم برسند، مطبوعات و رادیو و تلویزیون و همه رسانه‌های اطلاع‌رسانی باید سالم، توانا، مستقل، آزاد و نیرومند باشند. در کنار اینها باید مسافرت و مهاجرت و تعاطی افکار آزاد باشد. یکی از معیارهای دموکراسی عملی کردن همان عبارتی است که پریکلس در مورد آتن سرافرازانه می‌گفت: «دروازه‌های شهر ما بر روی جهانیان گشوده است.» (ص ۲۴۰)

و اما در مورد آموزش و پرورش شهروندان: نویسنده از چهار نوع آموزش یاد می‌کند: آموزش عملی، آموزش پایه، آموزش فنی و آموزش انسانی. پس از شرح کوتاهی در مورد هر کدام، سرانجام چنین می‌نویسد: «بالاخر از هر چیز، آموزش گسترده علوم انسانی برای هر دموکراسی سیاسی واجب است. مطالعه تاریخ، شناخت اهمیت ادبیات اصیل، کاربرد و نقد هنرها، پژوهش‌های فلسفی، اینها مقتضیات فکری مردمی هستند که می‌خواهند خردمندانه برخورد

**آنچه که بعضی از طرفداران دموکراسی را نگران می‌کند، این است که دموکراسی خود مبدل به دیکتاتوری اکثریت شود. به گفته کوهن: «تهدید یک اکثریت ستمگر امری واقعی است.»**

**بخشی از ارزش دموکراسی در این است که به آدمیانی که نیکی و بدی در وجودشان کاملاً به هم در آمیخته است، امکان می‌دهد که در کمال صفا با یکدیگر زندگی کنند**

پرداختن به انواع فعالیت‌هایی که لازمه مشارکت در اجتماع است تضمین می‌کند و از کوشش‌های آنان در امر مشارکت پشتیبانی می‌کند.» (ص ۱۷۹)

سؤال اساسی این بخش این است که آزادی سیاسی چیست و حدود آن تا کجاست و چه رابطه‌ای با امنیت ملی دارد و نیز عقیده «خطر واضح و حاضر» تا چه حد می‌تواند بهانه‌ای باشد برای محدود کردن آزادی. در این بخش چهار مسئله‌ای را که مرتبط با این موضوع است، به بحث می‌گذارد:

نخست اینکه مشارکت

هوشیارانه شهروندان در حکومت ایجاب می‌کند که به آنها مجال داده شود هر آنچه را که به صلاح می‌دانند بگویند و بشنوند و «خطر واضح و حاضر» نمی‌تواند بهانه‌ای برای جلوگیری از این حق باشد.

دوم: «خطر واضح و حاضر» مبین بی‌اعتمادی کامل به مردم است و سانسور کتابها و نشریات به مثابه یکی از راههای حفظ شهروندان از خطر عقاید «خطرناک» پسندیده نیست.

سوم: اگر ملتی از طریق اختناق یا سانسور «محفوظ بماند» آنچه نجات داده می‌شود، شاید ارزش نجات یافتن نداشته باشد. (ص ۲۱۲)

چهارم: اصولی که آزادی بیان را محدود می‌کند بر این فرض استوار است که اگر از برخی مردم یا از بعضی نظرها جلوگیری نشود، کل جامعه به مخاطره

حکومت کنند.» (ص ۲۴۵)

غرض از هنرهای مشاوره، پرورش اخلاق گفتگو است. در اینجا رأی کوهن به طور شگفت‌آوری با رأی هابرماس در بحث «حوزه همگانی» و نیز فروم در میثت جامعه سالم مطابقت دارد و اینکه دموکراسی حقیقی باید از کوچک‌ترین واحدهای سیاسی شروع شود، یعنی آنجا که امکان گفتگوی رودررو وجود دارد. سرانجام با نظر اوکتاویوپاز که می‌گوید: «دموکراسی یعنی گفتگو» نیز سخت هماهنگ است.

د- شرایط روان‌شناختی دموکراسی «بنیادی‌تر از همه شرایط دموکراسی شرایط روان‌شناختی است.» (ص ۲۵۱)  
این شرایط عبارت‌اند از:  
۱- وجود شهروندان معترف به امکان

خطا

قبول خطاپذیری و جایز الخطا بودن انسان یکی از صفات لازم برای نیل به دموکراسی است. کارل گوستاو یونگ در این زمینه بحث دل‌انگیز و جالبی دارد. خلاصه بحث او این است که آنان که از

امکان بد بودن و خطا کردن خود بی‌خبرند، یعنی به اصطلاح از خود راضی هستند، چهره‌ها و مهره‌های مناسبی برای دیکتاتور شدن هستند.

۲- وجود شهروندان تجربی‌اندیش یعنی شهروندانی که بر مبنای مشاهده و تجربه و بر پایه اصول علمی و حسی و نه احساسات گام برمی‌دارند.

۳- وجود شهروندان خرده‌گیر: «دموکراسی موفق ایجاب می‌کند که اطمینان شهروندان با مقداری روح انتقادی یعنی با حد معقولی از بی‌اعتمادی به تمام اولیای امور آبدیده شود.» (ص ۲۵۹)

در اینجا هم بحث کوهن به طور شگفت‌آوری با بحث فرانتس نویمان مطابقت دارد. او در مقاله‌ای با عنوان «مسئولیت روشنفکر» و وظیفه ذاتی روشنفکر را نقد و نقادی می‌داند. کریشنا مورتی عارف معاصر هندی هم در کتاب نارضایتی خلاق همین نکته را مطرح می‌کند. حافظ نیز به همین موضوع توجه دارد، آنجا که می‌گوید:

از خلاف آمد عادت بطلب کام که من

کسب جمعیت از آن زلف پریشان کردم

۴- وجود شهروندانی نرمش‌پذیر

۵- وجود شهروندان واقع‌گرا

۶- وجود شهروندان سازش‌جو

۷- وجود شهروندان برون‌گرا

۸- وجود شهروندان معتمد

عنوان بخش پنجم، دفاع از دموکراسی است. این مسئله از منظر پشتیبانی و توجیه مورد بحث قرار می‌گیرد: «کارترین دفاع (یا همان پشتیبانی) از دموکراسی جلوه‌گر ساختن شایستگی‌های آن است» (۳۰۲) برای اثبات شایستگی‌های دموکراسی و برای پشتیبانی از آن، کوهن شش دلیل می‌آورد:

۱- دموکراسی و خط‌مشی خردمندانه:

**دموکراسی موقعیتهایی را ایجاد می‌کند که جدالها و نزاعها به خشونت نینجامد و در واقع حل مسالمت‌آمیز اختلافات را تشویق و فراهم می‌سازد و در هر حال به اندازه نظامهای حکومتی دیگر دست به شمشیر نمی‌برد**

**دموکراسی خود به خود دارای**

**قدرت جادویی نیست که مخالفان را**

**تبدیل به موافقان، و یا دشمنان را**

**از صفحه روزگار محو کند. این خود مردم**

**هر اجتماع‌اند که با قدرت سنجش خویش**

**دموکراسی را با نظامهای دیگر**

**مقایسه می‌کنند تا مزایایش را درک کنند**

**و آنگاه در برابر آن احساس مسئولیت کنند**

را بپذیرند.» (ص ۳۳۹)

دوم: دموکراسی موقعیتهایی را ایجاد می‌کند که جدالها و نزاعها به خشونت نینجامد و در واقع حل مسالمت‌آمیز اختلافات را تشویق و فراهم می‌سازد و در هر حال به اندازه نظامهای حکومتی دیگر دست به شمشیر نمی‌برد.

سوم: دموکراسی تمایل به مصالحه را به ویژه از طریق حفظ حقوق اقلیت تشویق می‌کند.

چهارم: «قسمتی از دلیلی که دموکراسی، دگرگونی را با آرامی بیشتر تحمل می‌کند اینجا است که پیدایش دگرگونیهای عمده باید از طریق شرکت و مباحثه همگانی و تصمیم اکثریت به دست آید.» (ص ۳۳۴)

۴- دموکراسی و وفاداری:

چهارمین دلیل برای اثبات شایستگی‌های دموکراسی این است که در این نوع حکومت، هدفهایی که شهروندان دموکراسی خود را نسبت به آنها متعهد می‌دانند نه به ایشان تحمیل شده نه از سر تصادف پدید آمده و نه ظاهری‌اند بلکه خود شهروندان آنها را آزادانه برگزیده‌اند. (ص ۳۳۵)

۵- دموکراسی موجب ارتقاء آزادی بیان است:

«در حکومت‌های استبدادی فردی یا گروهی، آزادیهای انتقاد و مخالفت تهدیدهایی آشکار برای قدرتهای مستقر به شمار می‌روند... آزادیهای مبتنی بر قانون اساسی - بیان، قلم، مخالفت، گردمایی و نظایر اینها - آرایشهای پشت وپشتین و بترین حکومت‌های سلطه‌جویند... که می‌شود در کمال راحتی از آنها گذشت.» (ص ۳۴۱) ولی در دموکراسی این آزادیها «هدف» به حساب می‌آیند و زیرپاناهدانشان امری ناپسند به حساب می‌آید و اغلب غیرممکن نیز هست.

از همه انواع دیگر حکومت خردمندانه‌تر است با وجود این، در این نوع حکومت نیز امکان اشتباه وجود دارد.

۲- دموکراسی و عدالت توزیعی:

«شواهد تاریخی بر اینکه دموکراسی به حمایت از منافع تمامی بخشهای اجتماعی گرایش دارد، فراوان است.» (ص ۳۲۲)

۳- دموکراسی و حل مسالمت‌آمیز منازعات:

این احتمال وجود دارد که دموکراسی بیش از هر نظام دیگر حکومتی بتواند نیاز به خشونت را در حل و فصل جدالها از میان ببرد؛ این احتمال از خصلت مشارکتی حکومت دموکراتیک ناشی می‌شود؛ ملاحظات سه‌گانه زیر مؤید این نکته هستند: نخست: نظام مشارکتی این تعهد را به همراه دارد که آنان که در اخذ یک تصمیم مشارکت داشته‌اند، حتی اگر آن تصمیم ناخوشایندشان باشد، در اجرای آن استوار بمانند.

بدیهی است که «شرکت‌کنندگان در فرایند دموکراتیک به حکم مشارکتی که دارند باید امکان زیان بردن در بعضی مسائل



ع-دموکراسی رشد فکری را افزایش می دهد:

در حکومت‌های استبدادی فردی و گروهی، اصولی که به کار نشر و بهینه انتشار حاکم است، در راستای مصالح فرمانروایان تنظیم می شود. (ص ۳۳۲) در چنین فضایی، رشد فکری چگونه می تواند فراهم شود؟ در حالیکه در حکومت‌های دموکراتیک «نیاز به دانستن» عامل و علت اصلی نشر مطالب است. در چنین فضایی است که رشد فکری امکان پذیر می شود.

۷- دموکراسی شرایط روان شناختی خود را ارتقا می بخشد:

بیشتر گفته شد که به عقیده «کوهن» شرایط روان شناختی دموکراسی از سایر شرایط اهمیت بیشتری دارند. در حکومت‌های دموکراتیک امکان رشد و تقویت خصوصیات روحی فرد بیشتر است؛ خصوصیتی مانند تساهل، تمایل به مصالحه، احتمال خطاپذیری و ...

آخرین مبحث بخش پنجم ارزشهای ذاتی دموکراسی است: «دموکراسی را می توان به اعتبار خودش گرامی داشت زیرا که از ارزش ذاتی برخوردار است.» (ص ۳۹۰)

گوهر دموکراسی همانا مشارکت اعضای اجتماع در حکومت و مشارکت همان حکومت بر خود (یا خودسامانی) است. خودسامانی یعنی سلطه فرد بر زندگی خویش و سلطه اجتماع بر امور خود یا همان خودمختاری. در نظام‌های غیردموکراتیک فرد وابسته یا ناخودمختار یا تحت اجبار است یعنی همچون ابزاری است در دست حکومتگران. شهروندان به صورت اتباع در می آیند: «هم در ارتش و هم در مؤسسات خصوصی... اعضای تشکیل دهنده، به صورت اشخاص تلقی نمی شوند بلکه «کارکنان» (یا ابواب جمعی) به شمار می آیند چه بر معنی که در قدیم به آنان در ایران نوکر دولت می گفتند! گفته‌های رهبران خطاب به اجتماع معمولاً به صیغه امر ادا می شود.» (ص ۳۹۶)

و این سخن پایانی کارل کوهن است. دموکراسی خود به خود دارای قدرت جادویی نیست که مخالفان را تبدیل به موافقان، و یا دشمنان را از صفحه روزگار محو کند. این خود مردم هر اجتماع اند که با قدرت سنجش خویش دموکراسی را با نظام‌های دیگر مقایسه می کنند تا مزایایش را درک کنند و آنگاه در برابر آن احساس مسئولیت کنند. سی سال پیش کوهن در مورد آینده دموکراسی چندان خوش بین نبود، ولی امروزه وضع به گونه‌ای دیگر است. امروزه این سخن کارل پوپر در بسیاری از دانشگاه‌ها - که در نیمه‌های سده بیستم در زیر سلطه توتالیترسیم استالینی بود - خردباران زیادی پیدا کرده است که «بیشتر در نهایت به عوامل سیاسی وابسته است: به نهادهای سیاسی حافظ آزادی اندیشه، به دموکراسی.» (فولادوند ۱۳۷۳: ۱۹۵)

و به عقیده من رساتر از کلام پوپر، جمله به یادماندنی اوکتاویو پاز است که بیانگر خواست درونی بسیاری از مردم دنیا و راهگشای جوامع اکنون و آینده است: «بیشتر با دموکراسی آغاز نمی شود بلکه به دموکراسی ختم می شود.» (پاز، ۱۳۶۹: ۲۰۵)

به طور کلی می توان گفت، در حال حاضر کتابی به جامعیت دموکراسی درباره دموکراسی نمی توان یافت. کتابی مانا و سودمند و راهگشا که از ترجمه‌ای شیوا و روان نیز برخوردار است.

منابع:

- پاز، اوکتاویو (۱۳۶۹) یک سیاره و چهار پنج دنیه غلامعلی سیار. تهران: نشر گفتار.
- جهانپنگلو، رامین (۱۳۷۶) نقد عقل مدرن، حسین سامعی. تهران: فرزاد.
- رحیمی، مصطفی (۱۳۷۱) سخن پاز. تهران: نشر گردون.
- فولادوند، عزت‌الله (بدون تاریخ) خرد در سیاست. تهران: طرح نو.
- نویمان، فرانتس (۱۳۷۳) آزادی و قدرت و قانون، عزت‌الله فولادوند. تهران: خوارزمی.

دموکراسی و دموکراتیزه کردن:

فراگشت و دورنمای آن در جهان

فرهاد طالع

نشر سمرقند

۱۳۸۲، ۲۱۱ صفحه، ۲۵۰۰

تستخه، ۱۵۰۰ تومان

۱۳۸۲، ۲۱۱ صفحه، ۲۵۰۰

تستخه، ۱۵۰۰ تومان

۱۳۸۲، ۲۱۱ صفحه، ۲۵۰۰

تستخه، ۱۵۰۰ تومان

۱۳۸۲، ۲۱۱ صفحه، ۲۵۰۰

تستخه، ۱۵۰۰ تومان

۱۳۸۲، ۲۱۱ صفحه، ۲۵۰۰

تستخه، ۱۵۰۰ تومان

۱۳۸۲، ۲۱۱ صفحه، ۲۵۰۰

تستخه، ۱۵۰۰ تومان

۱۳۸۲، ۲۱۱ صفحه، ۲۵۰۰

تستخه، ۱۵۰۰ تومان

۱۳۸۲، ۲۱۱ صفحه، ۲۵۰۰

تستخه، ۱۵۰۰ تومان

۱۳۸۲، ۲۱۱ صفحه، ۲۵۰۰

تستخه، ۱۵۰۰ تومان

۱۳۸۲، ۲۱۱ صفحه، ۲۵۰۰

تستخه، ۱۵۰۰ تومان

۱۳۸۲، ۲۱۱ صفحه، ۲۵۰۰

تستخه، ۱۵۰۰ تومان

۱۳۸۲، ۲۱۱ صفحه، ۲۵۰۰

تستخه، ۱۵۰۰ تومان

۱۳۸۲، ۲۱۱ صفحه، ۲۵۰۰

تستخه، ۱۵۰۰ تومان

۱۳۸۲، ۲۱۱ صفحه، ۲۵۰۰

تستخه، ۱۵۰۰ تومان

۱۳۸۲، ۲۱۱ صفحه، ۲۵۰۰

تستخه، ۱۵۰۰ تومان

۱۳۸۲، ۲۱۱ صفحه، ۲۵۰۰

تستخه، ۱۵۰۰ تومان

۱۳۸۲، ۲۱۱ صفحه، ۲۵۰۰

تستخه، ۱۵۰۰ تومان

۱۳۸۲، ۲۱۱ صفحه، ۲۵۰۰

تستخه، ۱۵۰۰ تومان

۱۳۸۲، ۲۱۱ صفحه، ۲۵۰۰

تستخه، ۱۵۰۰ تومان

۱۳۸۲، ۲۱۱ صفحه، ۲۵۰۰

تستخه، ۱۵۰۰ تومان

دموکراسی و دموکراتیزه کردن

فرهاد طالع

نشر سمرقند

۱۳۸۲، ۲۱۱ صفحه، ۲۵۰۰

تستخه، ۱۵۰۰ تومان

۱۳۸۲، ۲۱۱ صفحه، ۲۵۰۰

تستخه، ۱۵۰۰ تومان

۱۳۸۲، ۲۱۱ صفحه، ۲۵۰۰

تستخه، ۱۵۰۰ تومان

۱۳۸۲، ۲۱۱ صفحه، ۲۵۰۰

تستخه، ۱۵۰۰ تومان

۱۳۸۲، ۲۱۱ صفحه، ۲۵۰۰

تستخه، ۱۵۰۰ تومان

۱۳۸۲، ۲۱۱ صفحه، ۲۵۰۰

تستخه، ۱۵۰۰ تومان

۱۳۸۲، ۲۱۱ صفحه، ۲۵۰۰

تستخه، ۱۵۰۰ تومان

۱۳۸۲، ۲۱۱ صفحه، ۲۵۰۰

تستخه، ۱۵۰۰ تومان

۱۳۸۲، ۲۱۱ صفحه، ۲۵۰۰

تستخه، ۱۵۰۰ تومان

۱۳۸۲، ۲۱۱ صفحه، ۲۵۰۰

تستخه، ۱۵۰۰ تومان

۱۳۸۲، ۲۱۱ صفحه، ۲۵۰۰

تستخه، ۱۵۰۰ تومان

۱۳۸۲، ۲۱۱ صفحه، ۲۵۰۰

تستخه، ۱۵۰۰ تومان

۱۳۸۲، ۲۱۱ صفحه، ۲۵۰۰

تستخه، ۱۵۰۰ تومان

۱۳۸۲، ۲۱۱ صفحه، ۲۵۰۰

تستخه، ۱۵۰۰ تومان

۱۳۸۲، ۲۱۱ صفحه، ۲۵۰۰

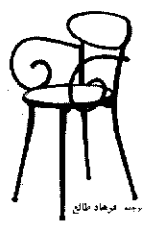
تستخه، ۱۵۰۰ تومان

۱۳۸۲، ۲۱۱ صفحه، ۲۵۰۰

تستخه، ۱۵۰۰ تومان

۱۳۸۲، ۲۱۱ صفحه، ۲۵۰۰

تستخه، ۱۵۰۰ تومان



این کتاب در واقع کوششی در راه شناسایی شرایط و مردم‌سالاری و چگونگی شکل‌گیری آن در جوامع گوناگون است. کتاب فوق از آن جهت جای اهمیت است که در شمار از نگارنی و عدم اطمینان درباره آینده کشورهایی است که در چند سال اخیر، گذار به دموکراسی را پشت سر گذاشته‌اند. از این رو علاوه بر بررسی تحولاتی که در نهایت به شکل‌گیری نظام مردم‌سالاری می انجامد مسائل و مشکلاتی را که می توانند پس از مرحله گذار به دموکراسی مانع تثبیت مردم‌سالاری گردد مورد موشکافی قرار می دهد و همچنین هزینه‌های را که یک اجتماع برای به دست آوردن مردم‌سالاری باید پرداخت کند آشکار می سازد. این کتاب که در پنج فصل تنظیم شده است، در فصل نخست بحثی کلی پیرامون مفهوم دموکراسی و زمینه‌های لازم برای ارزیابی فرایند شکل‌گیری دموکراسی در بسیاری از کشورهای جهان را در اختیار خواننده قرار می دهد و در ادامه دموکراسی لیبرال نیز مورد بررسی و نقد قرار می گیرد. در فصل دوم پیش شرط‌های دموکراسی طرح شده است و افزون بر آن مشخصه‌های گذار به دموکراسی در سال‌های اخیر در کشورهای مختلف بیان گردیده است. در فصل سوم به آثار داخلی دموکراسی یعنی توسعه و رفاه می پردازد و سپس نتایج دوگانه فوق را در چند کشور به عنوان نمونه مورد ارزیابی قرار می دهد. فصل چهارم نیز به پیامدهای جهانی و مردم‌سالاری اشاره می شود و با بیان این پیامدها مبنی صلح و همکاری، به بیان ویژگی‌های سیاست خارجی یک نظام دموکراتیک می پردازد. سرانجام در فصل پنجم آینده دموکراسی و فراگشت شکل‌گیری آن یا توجه به دو دیدگاه خوش‌بینانه و بدبینانه در این خصوص مورد ارزیابی قرار می گیرد. همان‌چنین جدولی از